

تفسير احمد

سوره النصر



۱۳۹۴

ترجمه و تفسير سوره النصر
تتبع و نگارش: الحاج امين الدين « سعيدى - سعيد افغانى »
مهتم و ديزاين: الحاج سليم عابد « پيمان »

سوره النصر

سوره النصر

این سوره در « مدینه » نازل شده و دارای 3 آیه است

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَالْفَتْحُ ﴿١﴾ وَرَأَيْتَ النَّاسَ يَدْخُلُونَ فِي دِينِ اللَّهِ
أُفْوَاجًا ﴿٢﴾ فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَاسْتَغْفِرْهُ إِنَّهُ كَانَ تَوَّابًا ﴿٣﴾

ترجمه موجز:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام الله بخشنده مهربان

«إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَالْفَتْحُ» (1) «آنگاه که نصرت الهی بیاید و فتح و گشایش». «وَرَأَيْتَ النَّاسَ يَدْخُلُونَ فِي دِينِ اللَّهِ أُفْوَاجًا» (2) «و مردم را ببینی که دسته دسته و گروه گروه داخل دین خدا می شوند». «فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَاسْتَغْفِرْهُ إِنَّهُ كَانَ تَوَّابًا» (3) «پروردگار خود را سپاس و ستایش کن و از او آمرزش بخواه بی گمان او توبه پذیر است».

معلومات موجز:

(سوره النصر) مکی بوده، دارای (1) رکوع، (3) سه آیت، (19) نوزده کلمه، (82) هشتاد و دو حرف و (34) سی و چهار نقطه است.

این سوره به اجماع مفسرین، مدنی است و نام آن سوره التودیع نیز می باشد. تودیع به معنای خداحافظی است، چون در این اشاره به نزدیک شدن وفات رسول الله صلی الله علیه وسلم هست که به همین علت به آن سوره التودیع گفته شده است.

اسباب نزول سوره:

عبد الرزاق در « مصنف » از معمر از زهری روایت می کند: رسول الله صلی الله علیه وسلم هنگام فتح مکه وارد آن شهر شد خالد بن ولید (رض) را بطرف (جناح پایین مکه مکرمه) فرستاد، و آن بزرگوار با سپاه تحت فرمان خود در آن قسمت با برخی از سپاه قریش مواجه شد و با آنها به جنگ پرداخت و خدا جل جلاله مشرکان را مغلوب و مسلمانان را پیروز کرد و در آن حال مسلمانان به دستور پیامبر صلی الله علیه وسلم سلاح خود را از گلوی شکست خوردگان برداشتند، و سپس آنها دین اسلام را پذیرفتند.

خلاصه ی تفسیر:

(ای محمد) وقتی مدد الله و فتح (مکه با آثار خود) برسند و (اثر مترتب بر آن فتح، از این قرار هستند که) تو می بینی مردم را که گروه گروه در دین خدا (اسلام) داخل می شوند، پس (آن وقت بدان که هدف از بقای شما در دنیا و بعثت شما، که به خاطر تکمیل دین بود، به پایان رسیده است، اکنون سفر آخرت نزدیک شده است، پس برای آن آماده باش، و) برای پروردگارت تسبیح و تحمید انجام بده، و از او آمرزش بخواه (از اموری که برخلاف انجام گرفته است) (آمرزش بخواه) او بسیار توبه پذیر است.

وجه تسمیه :

این سوره بدین سبب «نصر» نام گرفت که با این فرموده خدای تبارک و تعالی: «إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَالْفَتْحُ» افتتاح شده است و مراد از آن، فتح مکه مکرمه یعنی همان فتح اکبری است که فتح الفتوح نام گرفت. چنان که این سوره به نام «تودیع» نیز نامیده می‌شود از آن روی که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بعد از نزول آن فقط هفتاد روز زنده بودند و در ربیع الاول سال دهم هجری به رحمت حق پیوستند. ابن عباس رضی الله عنهما می‌گوید: «این آخرین سوره قرآن کریم از نظر نزول است». ابن عمر رضی الله عنهما می‌گوید: «این سوره در میانه ایام تشریق بر رسول خدا صلی الله علیه و سلم نازل شد پس دانستند که این پیام وداع است آن‌گاه سوار بر ناقه قصوی خطبه مشهور خویش را که خطبه حجة الوداع است، ایراد نمودند». و راجع به فضیلت آن در حدیث شریف آمده است: «إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ مَعَادِلُ رُبْعِ قرآن است».

برخی از مفسرین مینویسند: این سوره قبل از فتح مکه نازل شده است: در این سوره در جنب اینکه پروردگارا با عظمت از فتح مکه به پیامبر اسلام مژده میدهد، مژده این را هم میدهد که پروردگار پیامبر اسلام را در این فتح یاری هم میرساند و مردم دسته دسته و گروه گروه داخل دین اسلام می‌گردند، طوری که بسیاری از آنان یاوران او خواهند شد، در حالیکه قبلاً دشمن سر سخت رسول الله صلی الله علیه و سلم بودند.

مفسرین می‌افزایند:

اطلاع از فتح قبل از وقوع آن در ذات خود معجزه‌ای از معجزات نبوت می‌باشد. امام رازی رحمه الله این قول را صحیحتر می‌داند. در حدیث شریف به روایت ابن عباس رضی الله عنهما آمده است که فرمود: چون سوره «نصر» نازل شد، رسول الله صلی الله علیه و سلم فرمودند: «با نزول آن خبر مرگ من به من داده شده است». اصحابه کرام نیز بر این معنی متفق القول اند و ایشان این معنی را از آن روی دانستند که امر مطلق به تسبیح، تحمید و استغفار دلیل بر آن است که کار ابلاغ دعوت به اتمام رسیده است و این خود اقتضا می‌کند که پیام آور حق صلی الله علیه و سلم از این دنیا رخت سفر بر بندد.

روایت شده است که چون این سوره نازل شد، رسول الله صلی الله علیه و سلم خطابه ایراد کرده و در آن فرمودند: «إِنَّ عِبَادًا خَيْرَهُ اللَّهُ بَيْنَ الدُّنْيَا وَبَيْنَ لِقَائِهِ وَالْآخِرَةِ، فَاخْتَارَ لِقَاءَ اللَّهِ: هَمَانًا خَدَاوَنَدَ بَنَدَهُ رَا دَر مِيَان دُنْيَا وَ مِيَان آخِرَت وَ لِقَاي خُوِيْش مَخِيْرَ گَرْدَانِيْدَ پَس اُو لِقَاي خُدَا رَا اِنْتِخَابَ كَرَدَ».

خواننده محترم!

چیزی که خداوند پیامبرش را بدان مژده داده تحقق یافت. و اما فرمانی که خدا بعد از به دست آمدن یاری و فتح، پیامبرش را بدان فرمان داد این است که پیامبر باید او را به خاطر این چیز سپاس بگزارد و خدا را به پاکی یاد کند و از او آمرزش بخواهد. و همواره از او طلب مغفرت نماید، دین پیروز می‌گردد و بر پیروزی اش افزوده می‌شود، زیرا سپاس و ستایش و استغفار از مصادیق به جای آوردن شکر است.

خداوند می‌فرماید: « لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ » (سوره ابراهیم: 7). «اگر شکر گزار باشید به شما بیشتر خواهم داد».

واقعاً هم عظمت اسلام در زمان رسول الله صلی علیه وسلم و در زمان خلفای راشدین و بعد از آن چنان به عظمت و پیروزی دست یافت که هیچ یک از ادیان آسمانی به آن جا نرسیده بودند و چنان مردم به آن گرویدند که به دیگر ادیان نگروده بودند.

انسان باید از پیروزی بدست آمده خویش شکر گزار باشد، فاتحان اکثراً بعد از فتح به امراض غرور و تکبر مبتلا می‌شوند، و پیروزی را نتیجه شایستگی‌ها و برزندگی‌های می‌پندارند نسبت به دیگران احساس برتری می‌کنند، و خواهان امتیاز می‌شوند، احساس غرور و خود بزرگ بینی شان در برخورد با دیگران نمایان می‌شود. ولی انسان باید همواره به یاد خدا باشد؛ بی هیچ گونه فراموشی و در راه او گام بردارد؛ بدون هیچ‌گونه معصیت؛ و اطاعت فرمان او کند خالی از هرگونه سرپیچی؛ و مسلم است که این اوصاف در کمتر کسی جمع می‌شود.

نقطه دوم که مفسرین در تفسیر این سوره مینویسند اینست که: زمان مرگ پیامبر صلی الله علیه و سلم نزدیک شده است، و از آنجا که زندگی او بسیار با ارزش است خداوند به آن سوگند خورده است. و امور با ارزش از قبیل نماز و حج و غیره با ارزش خواستن پایان می‌یابد. پس امر نمودن خداوند پیامبرش را به این که خدا را ستایش کند و از خدا آمرزش بخواهد، اشاره است به این که دوران حیات او به سر رسیده است و باید خودش را برای ملاقات با پروردگارش آماده نماید و عمرش را با بهترین چیزها به پایان ببرد.

موضوعات کلی این سوره:

موضوعات کلی این سوره عبارتند از:

- پیشگویی فتح مکه
- پیشگویی ایمان آوردن مردم
- اشاره به رحلت پیامبر صلی الله علیه وسلم
- شکر گذاری انسان از نعمتهای پروردگار با عظمت
- توبه پذیری و رحمت و لطف بی پایان پروردگار.

محتوا سوره:

این سوره بعد از هجرت نازل شده است، که در آن به رسول الله صلی الله علیه وسلم، بشارت به پیروزی بزرگ و عظیمی می‌دهد، که همان فتح مکه و به تعقیب آن پیوستن گروه گروه از مردم به دامن دین مقدس اسلام میباشد. بنأء به شکرانه این نعمت بزرگ پیامبر صلی الله علیه وسلم را دعوت به «تسبیح» و «حمد» الهی و «استغفار» می‌کند.

گرچه در اسلام فتوحات زیادی رخ داد، ولی فتحی با مشخصات فوق جز « فتح مکه » نبود، بخصوص این که طبق بعضی از روایات، اعراب معتقد بودند اگر پیامبر اسلام محمد

صلی الله علیه وسلم مکه را فتح کند و بر آن مسلط گردد این دلیل بر حقانیت اوست. برخی از مفسرین می فرمایند که این سوره بعد از « صلح حدیبیه » در سال ششم هجرت ، و دو سال قبل از « فتح مکه » نازل گردید. ولی همه مفسرین در این مورد اتفاق دارند که هدف « إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَالْفَتْحُ » در مورد فتح مکه نازل شده است. و آنرا از لفظ « إِذَا جَاءَ » معلوم میدارند که سوره قبل از فتح مکه نازل شده است. در روح « المعانی » به حواله « بحر المحيط » روایتی موافق با این آمده است که نزول این سوره بعد از بر گشت از غزوه خیبر بیان شده است ، و فتح خیبر قبل از فتح مکه ، معروف و مشهور است .

در تفسیر « روح المعانی » به سند عبد بن حمید از حضرت قتاده منقول است که رسول الله صلی الله علیه وسلم بعد از نزول این سوره تا دو سال زنده ماند. حاصل این روایت نیز این است که این سوره قبل از فتح مکه نازل شده است ، زیرا از فتح مکه تا وفات آن حضرت صلی الله علیه وسلم از دو سال کمتر است . (این در صورتی است که وفات رسول الله صلی الله علیه وسلم در سال 10 هجری باشد ، حال آنکه در سال 11 هجری اتفاق افتاده است ، زیرا در سال 9 هجری حضرت ابوبکر صدیق مراسم حج را بجا آورد و در سال 10 هجری حجة الوداع شده پس وفات سال 11 هجری بوده است.) .

فتح مکه در ماه مبارک رمضان در سال 8 هجری به وقوع پیوست و وفات رسول الله صلی الله علیه وسلم در ماه ربیع الاول سنه 10 هجری اتفاق افتاد ، (سال 11 هجری وفات آن حضرت ؟ زیرا در سال 10 هجری حجة الوداع است که در ذوالحجه می باشد که پس از ربیع الاول است) لذا منظور از آنچه در بعضی روایات آمده است که این سوره در فتح مکه یا حجة الوداع نازل شده است ، این می باشد که رسول الله صلی اله علیه وسلم آن را در این موقع در صحابه تلاوت کرده است و مردم پنداشته اند که اکنون نازل گردیده است . (غرض معلومات بیشتر مراجعه فرماید : به « بیان القرآن » در حدیثی آمده است زمانیکه این سوره نازل شد و پیامبر صلی الله علیه وسلم آن را بر پاران خود تلاوت کرد همگی خوشحال و خوشدل شدند ، در این میان حضرت عباس کاکا پیامبر صلی الله علیه وسلم به محض شنیدن این سوره گریان کرد و اشک از چشمش بیان شد .

پیامبر صلی الله علیه وسلم از حضرت عباس پرسید ای کاکا چرا گریه می کنی حضرت عباس در جواب رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: گمان می کنم خبر رحلت شما در این سوره داده شده ای رسول الله ! .

پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: مطلب همان گونه است که تو می گوئی .

تفسیر سوره :

« إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَالْفَتْحُ » (1) « چون نصرت الهی و فتح فرارسد » یعنی: ای محمد صلی الله علیه و سلم! آن گاه که پیروزی الهی برایت علیه دشمنانت قریش به ظهور آید و مکه بر تو گشوده شود. نصر: عبارت از تأییدی است که دشمنان با آن مغلوب گردیده و

مسلمانان بر آنان برتری پیدا کنند.

«فَتْح» : گشودن دیار دشمنان و ورود به خانه‌هایشان و نیز گشایش دل‌هایشان برای پذیرش حق است. پس فرق در میان «نصر» و «فتح» این است که: نصر همچون سببی برای فتح می‌باشد، از این جهت ابتدا نصر ذکر شد و سپس فتح بر آن عطف گردید.

«وَرَأَيْتَ النَّاسَ يَدْخُلُونَ فِي دِينِ اللَّهِ أَفْوَاجًا» (2) (و ببینی که مردم فوج فوج در دین الله در آیند) یعنی: ای پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم! در هنگام رسیدن نصرت و فتح، مردم - اعم از اعراب و غیر آنان - را می‌بینی که گروه گروه و دسته دسته به دینی در می‌آیند که خداوند جلّ جلاله تو را بر آن مبعوث کرده است، بعد از آن که آنها یکی یکی یا دوتا دوتا به دین حق داخل می‌شدند. نقل است که وقتی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم مکه را فتح کردند، اعراب گفتند: اما اکنون که محمد صلی الله علیه و آله و سلم بر اهل حرم غالب و پیروز شد در حالی که خداوند جلّ جلاله ایشان را از هجوم اصحاب فیل در پناه خود داشت، این خود برهان روشنی است بر این که محمد صلی الله علیه و آله و سلم بر حق است و شما علیه او قدرتی ندارید. لذا از ستیز و مقاومت دست برداشته و در مجموعه‌های بزرگی، گروه گروه و دسته دسته یکی بعد از دیگری به اسلام وارد می‌شدند و موج رویکرد به سوی اسلام چنان بود که يك قبیله تماماً به یکبار در اسلام داخل می‌شد.

جمهور فقها و بسیاری از علمای کلام بر آنند که: ایمان مقلد صحیح است زیرا حق تعالی بر صحت ایمان این افواج مردم که ایمانی تقلیدی بود، حکم کرد و آن را از بزرگترین احسانهای خود بر پیامبرش حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم برشمرد و اگر ایمانشان صحیح نمی‌بود، در این مناسبت از آن یادی نمی‌کرد.

«فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَاسْتَغْفِرْهُ إِنَّهُ كَانَ تَوَّابًا» (3) (پس به حمد پروردگار خود تسبیح بگوی) این آیه، امر به تسبیح گفتن برای پروردگار متعال و ستایش برای وی را با هم جمع کرده است.

تسبیح گفتن برای پروردگار متعال از خوشحالی آن حضرت صلی الله علیه و سلم نسبت به رخدادهای عظیم پیروزی خبر می‌دهد که حتی به فکر ایشان و به فکر احدی از مردم خطور نمی‌کرد؛ و حمد و ستایش حق تعالی، در برابر صنع زیبا و رفتار روح افزایش با پیامبرش صلی الله علیه و آله و سلم و منت عظیم وی بر ایشان در نصر و فتح ام القری می‌باشد «و از او آمرزش بخواه» برای لغزش‌های؛ به عنوان نوعی تواضع و فروتنی برای حق تعالی و کوچک شمردن و اندک دانستن عمل خویش و نیز برای آموختن این امر به امت «هرآینه الله همواره توبه‌پذیر است» یعنی: از شأن وی این است که بر آمرزش خواهان توبه بپذیرد و بر آنان به رحمت بازگردد.

در حدیث شریف به روایت عائشه رضی الله عنها آمده است: «بعد از آن که سوره إذا جاء نصر الله و الفتح بر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نازل شد، آن حضرت صلی الله علیه و سلم هیچ نمازی را نمی‌خواندند مگر این که در آن می‌گفتند:

«سبحانک ربنا و بحمدک، اللهم اغفر لی» پروردگارا! پاکی تو راست همراه با ستایش است.

بارها! بر من بیامرز».

همچنین عائشه رضی الله عنها می‌گوید: «رسول الله صلی الله علیه و سلم در رکوع و سجده خویش بسیار می‌گفتند: «سبحانک اللهم وبحمدک اللهم اغفر لی».

حضرت ام سلمه در روایتی می‌فرماید: که رسول الله صلی الله علیه و سلم پس از نزول این سوره در هر نشست و بر خاست و رفت و آمد، بلکه در هر حال این دعا را می‌خواند: «سبحان الله و بحمده، استغفر الله و اتوب الیه» و می‌فرمود: که به من چنین دستور داده شده است و در استدلال به آن «اذا جاء نصر الله» را تلاوت می‌کرد.

حضرت ابو هریره می‌فرماید که رسول الله صلی الله علیه و سلم پس از نزول این سوره در عبادت، بیشتر مجاهده می‌کرد، تا این که در پاهایش ورم می‌کرد. (قرطبی) در حقیقت، این شیوه رسول اکرم صلی الله علیه و سلم تفسیر عملی این آیه از قرآن کریم است.

بخاری و دیگران از ابن عباس رضی الله عنهما در بیان سبب نزول این سوره روایت کرده‌اند که فرمود: عمر رضی الله عنه مرا با بزرگان بدر به مجلس خویش فرا می‌خواند اما گویی که برخی از آنان از این امر در اندرون خویش دغدغه‌ای می‌یافتند (یعنی ناراحت بودند). روزی عمر رضی الله عنه بزرگان بدر را به مجلس خویش فراخواند و مرا نیز با آنان به آن مجلس وارد کرد. من از این فراخوانی وی دریافتم که عمر رضی الله عنه امروز دیگر مرا با ایشان فراخوانده است مگر به این هدف که (فضل) مرا به آنان نشان دهد. پس رو به آنان نمود و گفت: در تفسیر این فرموده خدای عزوجل: «إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَالْفَتْحُ» چه می‌گویید؟ برخی از ایشان گفتند: خدای عزوجل در این سوره به ما دستور داده است تا بعد از آن که ما را پیروز کرد و فتح را نصیبمان گردانید، او را ستایش گفته و از او آمرزش بخواهیم.

برخی هم سکوت نموده و چیزی نگفتند. آن‌گاه عمر رضی الله عنه رو به من کرد و فرمود: ای ابن عباس! آیا تو نیز چنین می‌گویی؟ گفتم: خیر! بلکه نظر من این است که این آیه به فرارسیدن اجل رسول الله صلی الله علیه و سلم اشاره دارد.

یعنی خداوند جل جلاله با نزول «إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَالْفَتْحُ» ایشان را از نزدیک شدن وقت رحلتشان آگاه کرد و فرمود: آمدن نصرت و فتح، علامت فرارسیدن اجل توست؛ «فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ ...»: آن‌گاه تسبیح بگوی همراه با ستایش پروردگار خویش و از او آمرزش بخواه زیرا او بسی توبه‌پذیر است. عمر رضی الله عنه فرمود: من نیز بجز آنچه که تو گفتی، وجه دیگری برای نزول آن نمی‌دانم».

آخرین سوره و آخرین آیات قرآنی:

در صحیح «مسلم» از حضرت ابن عباس منقول است که سوره «نصر» آخرین سوره‌ی از قرآن است، (قرطبی) مقصود این که بعد از آن سوره‌ی کاملی دیگر نازل نشده است، نزول بعضی آیات در بعضی روایات که بعد از این بیان شده، با این منافاتی ندارد، هم چنان که سوره‌ی فاتحه اولین سوره از همه قرا «به این معنا است که سوره‌ی کاملی قبل از فاتحه نازل نشده است، و نزول چند آیه از سوره‌های «اقرأ، مدثر»

سوره النصر

و غیره قبل از فاتحه با آن منافی نیست.
حضرت ابن عمر فرموده است که این سوره در حجة الوداع نازل شده است ، و پس از آن آیه « الیوم اکملت لکم دینکم » (سوره مائده ، 3) نازل گردیده ، و پس از نزول اینها رسول الله صلی الله علیه وسلم فقط هشتاد روز در دنیا ماند ند (و پس از هشتاد روز وفات کردند) و پس از آن دوتا آیه کلاله نازل گردید ، که پس از آن فقط پنجاه روز از عمر آن حضرت مانده بود ، سپس آیه : « لقد جاءکم رسول من انفسکم عزیز علیہ ما عنتم » (سوره توبه آیه 128) نازل شد ، و بعد از آن از عمر رسول الله فقط سی روز باقی بود ، از آن به بعد آیه « اتقوا یوماً تر جعون فیہ الی الله » (سوره بقره آیه 281) نازل گردید که پس از آن رسول الله در بیست و یکمین روز و مطابق روایت مقاتل هفتمین روز وفات نمود . (قرطبی)

تکبر:

پروردگار با عظمت ما در (آیه 23 سوره نحل) با زیبایی خاصی می فرماید : « خداوند متکبران را دوست نمی دارد ».

« تکبر » یعنی اینکه انسان خود را نسبت به سایر انسانها بلند و بالاتر بحساب آرد ، و در ضمن معتقد هم باشد که نسبت به سایر انسانها برتری درد ، و دیگران به نظر اش کوچک جلوه نماید .

قرآن عظیم الشان در آیه 146 سوره اعراف میفرماید: « به زودی کسانی را که در روی زمین به ناحق ادعای بزرگی می کنند، از (ایمان به) آیات خود، رویگردان خواهم ساخت » و « آنانی که بدون هیچ دلیلی با آیات الهی به مجادله بر می خیزند، در نتیجه نزد خدا و اهل ایمان سخت مورد غضب هستند و بدین گونه است که خداوند بر دل هر متکبر جباری مهر می زند » (آیه 35 سوره غافر)

تکبر اینست که : انسان خود را بالاتر از دیگران بشمارد ، و معتقد هم شود که بر آنها برتری دارد، و دیگری را کوچک شمارد. تکبر و خودبرتربینی؛ گاه انسان را در برابر پروردگار و پیامبران و فرستادگان الهی به تمرد و سرکشی می کشاند و گاه او را در میان هم نوعان و بندگان خدا به برتری جویی وا می دارد.

کبر و تکبر و استکبار- در معنی به هم نزدیکند، کبر حالتی است که انسان با بزرگ دیدن خویش به آن صفت مخصوص میشود و این وقتی است که انسان جان و وجود خویش را از غیر خویش بزرگتر می بیند. بزرگترین و سنگین ترین تکبرها، تکبر بر خداوند در خودداری از قبول حق و عدم اقرار به آن در پرسش است. (مفردات راغب اصفهانی).

تکبر و غرور در حکم و شریعت خداوند جرم بسیار سنگینی است، خداوند نسبت به متکبران بسیار خشمگین است. لذا تکبر و غرور در برابر مسلمین حرام است، و از خصلتهای نکوهیده ای است که بنوعی جزو امراض قلوب می باشد، که بایست در فکر درمان آن بود.

در قرآن عظیم الشان تکبر از صفات بسیار نکوهیده بشر شمرده شده است. در برخی

آیات به کلمه متکبر تصریح شده است؛ آیاتی که دوزخ را جایگاه متکبران معرفی می کند: «فَادْخُلُوا أَبْوَابَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا فَلَبِئْسَ مَثْوَى الْمُتَكَبِّرِينَ» (سوره نحل 29) یعنی: پس از درهای جهنم وارد شوید در حالی که در آنجا جاودانه خواهید بود. چه بد است جایگاه متکبران.

و تکبر موجب می شود که مسلمان وارد بهشت نشود، چنانکه حدیث صحیحی از پیامبر صلی الله علیه وسلم روایت شده است که می فرماید: «لَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ مَنْ كَانَ فِي قَلْبِهِ مِثْقَالُ ذَرَّةٍ مِنْ كِبَرٍ...». مسلم (131). «کسی که هم وزن ذره غرور و کبر در دل داشته باشد، وارد بهشت نمی شود.» روزی که خداوند بندگان را زنده نموده و در میدان حشر جمع خواهند شد، متکبران را در یک وضعیت بسیار حقارت آمیز حشر خواهد کرد. در حدیثی که امام ترمذی آن را روایت کرده رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «يُحْشَرُ الْمُتَكَبِّرُونَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَمْثَالَ الذَّرِّ فِي صُورِ الرِّجَالِ يَعْشَاهُمُ الذُّلُّ مِنْ كُلِّ مَكَانٍ» مشكاة المصابيح: (635-2) شماره: (5112). (متکبران روز قیامت در نهایت پستی و کوچکی مانند مورچه حشر می شوند، در حالی ذلت و نگون بختی از هر طرف آنان را احاطه کرده است.) «الذَّرُّ» به معنی مورچه است، معمولاً مردم به آنها توجه نمی کنند، در حالی که کسی متوجه آنها نمی شود، زیر پا له و پایمال می شوند.

بنابراین هر مسلمانی که دارای این مریضی است باید در فکر تداوی و معالجه آن گردد، و بجای کبر و غرور راه تواضع و فروتنی را درپیش گیرد، و بداند که آنکسی نزد خداوند متعال از همه گرامی تر است که اهل تقوای بیشتری باشد: «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ» (سوره الحجرات: 13) «در حقیقت ارجمندترین شما نزد خداوند پرهیزگارترین شماست.»

یعنی برتری میان شما در نزد حق تعالی، فقط با تقوی است پس هر کس از تقوی برخوردار باشد، سزاوار آن است که گرامی تر، بهتر و برتر باشد بنابراین، تفاخر به نسب و ثروت و جاه و منصب دنیوی را فروگذارید. و قطعاً تقوی و تکبر با هم سازگار نیستند و کسی که اهل تقوا باشد، از خصلت غرور و تکبر مبرا است. و کسانی که این مریضی درونی را دارند باید توبه کنند، و راه تزکیه نفس را در پیش گیرند و دیگر در مقابل با خواهر و برادر مسلمانان احساس بزرگی بینی و غرور نکنند، تا به مرور زمان این مریضی علاج شود و جای خود را به تواضع و فروتنی بدهد، و خداوند متعال صفت مؤمنان را چنین بیان می کند: «أَذِلَّةٌ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ» (سوره مائده 54) یعنی: در برابر مؤمنان متواضع و در برابر کافران سرسخت و نیرومندند.

صدق الله العظيم و صدق رسوله نبی الکریم.

فهرست:

- ترجمه مؤجز
- معلومات مؤجز
- خلاصه تفسیر
- وجه تسمیه
- موضوعات کلی سوره
- محتوای سوره
- تفسیر سوره
- تکبیر

منابع و مأخذ های عمده:

- تفسیر و بیان کلمات قرآن کریم (تالیف شیخ حسنین محمد مخلوف و اسباب نزول علامه جلال الدین سیوطی ترجمه از عبد الکریم ارشد فاریابی
- تفسیر انوار القرآن - نوشته: عبدالرؤف مخلص هروی
- فیض الباری شرح صحیح البخاری داکتر عبد الرحیم فیروز هروی
- تفسیر طبری - امام المفسرین
- تفسیر المیزان
- تفسیر پرتوی از قرآن
- تفسیر القرآن الکریم - ابن کثیر (متوفی سال 774 هـ)
- امام سیوطی کتاب « اسباب النزول »
- مفردات الفاظ القرآن، از راغب اصفانی
- جلوه های از اسرار قرآن مهندس حکمتیار
- تفسیر معارف القرآن مولف حضرت علامه مفتی محمد شفیع عثمانی دیوبندی مترجم مولانا محمد یوسف حسین پور
- تفسیر فی ظلال القرآن/ سید قطب (متوفی سال 1387 هـ)
- تفسیر نور تألیف داکتر مصطفی خرم دل
- تفسیر کابلی
- صحیح مسلم
- صحیح البخاری